جزئیات مراسم تشییع و ترحیم مانایاد جمشید مشایخی اعلام شد

چهره شامخ مشایخی در آرامش ابدی

نسل فردا
گروه فرهنگ و هنر

جزئیات مراسم تشییع، تدفین و ترحیم بازیگر پیشکسوت سینمای ایران اعلام شد که طبق آن، مانایاد «جمشید مشایخی» در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) آرام خواهد گرفت. ستاد برگزاری مراسم بدرقه با پیکر جمشید مشایخی، پنجشنبه پس از برگزاری جلسه، بیانیه خود را به شرح ذیل صادر کرد. در این بیانیه می‌خوانیم: همان گونه که مطلع هستید، کمال الملک هنر ایران از میان ما پر کشید و به سوی معبود شتافت؛ اما اخلاق و منش پهلوانی او در خاطر همه ایرانیان هنردوست نقشی ماندگار است. فقدان جبران ناپذیر این هنرمند را خدمت جامعه هنری و عموم مردم ایران تسلیت می گوییم.

ستاد برگزاری مراسم بدرقه با پیکر ایشان، متشکل از خانه تئاتر، خانه سینما، اداره کل هنرهای نمایشی، سازمان سینمایی، شهرداری تهران، پلیس راهور تهران و بنیاد رودکی ضمن دعوت از هنرمندان و هنردوستان کشور برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر این مراسم، موارد زیر را به اطلاع می‌رساند: مراسم تشییع پیکر استاد جمشید مشایخی، ساعت ۹.۳۰ امروز از محوطه تالار وحدت انجام خواهد شد. مراسم اقامه نماز بر پیکر استاد در محل تشییع انجام خواهد شد. جهت سهولت آمد و شد خیابان استاد شهریار، حدفاصل خیابان خارک تا خیابان حافظ از ساعت ۸ تا پایان مراسم برای وسایل نقلیه مسدود خواهد بود. در این مراسم تعدادی از هنرمندان پیشکسوت سخنان کوتاهی در رابطه با استاد مشایخی ایراد خواهند کرد. تعداد مکفی اتوبوس جهت آمد و رفت به بهشت زهرا برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شده است. پیکر استاد جمشید مشایخی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده خواهد شد. مراسم ترحیم زنده یاد جمشید مشایخی روز سه شنبه ۲۰ فروردین ماه ساعت ۱۶ تا ۱۷.۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، واقع در میدان صنعت، خیابان فرحزادی برگزار خواهد شد.

دیدگاه

فردوسی‌پور، مدیری و انحصار رسانه‌ای

محمد فاضلی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

پرده نخست: میلیون‌ها [؟] ایرانی به حمایت از «عادل فردوسی‌پور» برخاستند تا او را در برنامه «نود» حفظ کنند. برخی مخالفان فردوسی‌پور ضرورت گردش نخبگان را مطرح می کنند و برخی دیگر از مخالفان او هم معتقدند؛ فردوسی‌پور از امکانات رسانه دولتی صدا و سیما استفاده کرده و حالا هم باید همه اطاعت امر کنند و رفتن او را بپذیرند.

پرده دوم: «مهران مدیری» استندآپ کمدی اجرا می کند و پای ثابت استندآپ‌های او، تاختن بر دولت و نقد مسئولان دولتی است. طرفداران این استندآپ‌های انتقادی مدیری، نقد کردن را حق او می‌دانند و رسانه صدا و سیما را بابت اجازه دادن به این گونه انتقادها، ستایش می کنند.

پرده نخست و دوم، بر دو گزاره بنا شده‌اند که ظاهری جذاب دارند. گزاره نخست: «گردش نخبگان ضروری است.» گزاره دوم: «انتقادی بودن، حق و وظیفه رسانه است.» من هم به گردش نخبگان و رسانه انتقادی معتقدم. هر دو گزاره به‌طور کلی درست‌اند؛ اما یک واژه هست که کل بازی را به هم می‌ریزد: «انحصار». مجریان بزرگ تلویزیون‌های دنیا که گاه تا دو سه دهه برنامه‌های خود را ادامه داده‌اند، در فضای انحصار رسانه‌ای کار نکرده‌اند. آن‌ها فرصت داشته‌اند در تلویزیون‌های خصوصی، برنامه‌های پرطرفدار تولید کنند و بیست، سی سال هم آن‌ها را ادامه دهند. آیا چنین فضایی در اختیار فردوسی‌پور یا هر چهره تلویزیونی دیگری قرار گرفته است؟ اگر انحصار نبود، شاید فردوسی‌پور در فضای رقابتی و در شبکه‌ای خصوصی، برنامه نود را تولید می کرد و به همین شهرت می‌رسید. شاید هم او چندین رقیب در بقیه شبکه‌های خصوصی می‌یافت و هرگز به چنین جایگاهی نمی‌رسید. می‌شود به فردوسی‌پور دستور داد برنامه نود را ترک کند؛ مشروط به این که حق داشته باشد یک شبکه تلویزیونی خصوصی راه‌اندازی و برنامه خودش را تولید کند. فکر می کنید اگر صدا و سیما انحصار نداشت، ضرورتی برای اصرار بر باقی ماندن او در برنامه نود وجود می‌داشت یا اصلاً او کارش را در صدا و سیما ادامه می‌داد؟

انحصار رسانه‌ای، سیاست یک بام و دو هواست. از طرفی به افراد اجازه داده نمی‌شود در فضای رقابت رسانه‌ای آزاد رشد کنند و از طرف دیگر حکم می‌شود که چون با استفاده از امکانات رسانه حکومتی رشد کرده‌اند، حالا هم باید به فرمان همان رسانه گردن بنهند و مردم نیز مطالبه متفاوتی نداشته باشند. انحصار رسانه‌ای در داستان استندآپ‌های انتقادی مدیری هم نقش مهمی ایفا می کند. استندآپ انتقادی حق رسانه صدا و سیماست، منوط به آن که انحصار رسانه‌ای، به محدود کردن دایره انتقادات منجر نشود. پرسش‌های مهمی در ارتباط با انحصار رسانه‌ای و مدیری و استندآپ‌هایش مطرح است: آیا دولت تنها نهادی است که سزاوار انتقاد است؟ مجلس، قوه قضائیه، خود صدا و سیما، و سایر نهادهای سیاسی قابل نقد از طریق استندآپ نیستند؟ آیا فقط مدیری می‌تواند استندآپ کمدی انتقادی معطوف به نقد یک جریان سیاسی و یکی از قوای حاکمیت (دولت) اجرا کند؟ دیگران نباید بتوانند به گونه دیگری استندآپ انتقادی اجرا کنند؟ آیا مدیری همواره حق داشته این گونه استندآپ کمدی و در نقد همه دولت‌ها اجرا کند؟ یا نقدهای او فقط در بازه زمانی خاص دولت‌هایی که جریان موافق با انحصار رسانه‌ای با آن‌ها سر سازگاری نداشته است، فرصت شکوفایی پیدا می کنند؟ مسئله‌شدن حذف «فردوسی‌پور» و مصنوعی و فرمایشی جلوه کردن نقدهای مدیری، هر دو محصول دو نوع انحصار است. نخست، انحصار ابزار رسانه‌ای؛ به این معنا که رسانه صوتی و تصویری خصوصی و در فضای رقابتی، امکان بروز و حضور ندارد. دوم، انحصار گفتمانی؛ به این معنا که فقط گفتمان خاصی، در خدمت تفکر مشخصی و در بازه‌های زمانی معینی و معطوف به نقد بخش‌های خاصی از قدرت سیاسی، امکان بروز و ظهور می‌یابد. انحصار ابزار رسانه و انحصار گفتمانی، هم مدعای گردش نخبگان و فراهم آوردن فرصت برابر برای همه استعدادها را لوث و شوخی بی‌مزه‌ای می‌سازد و هم مدعای حق رسانه برای انتقادی بودن را از اساس بی‌معنا می کند. انحصار در همه عرصه‌ها، اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و رسانه، سبب‌ساز ناکارآمدی، فساد و فرسایش سرمایه اجتماعی است.

فروش ۳۵ میلیاردی اکران نوروزی در سال ۹۸

فرصتِ فروردینی

هفت فیلم سینمایی که در جدول اکران نوروزی قرار گرفتند، در ایام تعطیلات عید توانستند در مجموع بیش از ۳۵ میلیارد تومان فروش داشته باشند که بیش از ۲۲ میلیارد آن حاصل فروش در تهران بوده است. ایسنا درباره این میزان فروش و دیدگاه‌های مطروحه گزارشی خواندنی نوشته است.

فیلم سینمایی «رحمان ۱۴۰۰» منوچهر هادی، با گذر از یک میلیون مخاطب و بعد از گذشت حدود سه هفته اکران به فروشی نزدیک به ۱۵ و نیم میلیارد تومان رسیده که از این میزان فروش بیش از ۹ میلیارد تومان سهم تهران و بقیه حاصل فروش در شهرستان‌ها بوده است.

پس از فیلم «رحمان ۱۴۰۰»، بیشترین میزان مخاطب و فروش برای فیلم سینمایی «متری شیش و نیم» سعید روستایی بوده که توانست با جذب ۷۴۰ هزار نفر به سینما در هفته سوم اکران خود ۱۰ میلیارد و ۴۹۰ میلیون تومان فروش داشته باشد. به تفکیک از این مقدار فروش ۶ میلیارد و ۶۳۰ میلیون تومان سهم فروش در تهران بوده است.

در رتبه سوم پرفروش‌ترین فیلم‌ها در ایام نوروز، فیلم سینمایی کمدی «چهارانگشت» حامد محمدی قرار دارد. این اثر چهار و نیم میلیارد فروش داشته و تا پایان ایام تعطیلات در نوروز ۳۰۰ هزار نفر پای دیدن آن نشستند. این فیلم در تهران حدود سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون و در شهرستان‌ها حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان فروش داشته است.

سپس به ترتیب سه فیلم سینمایی «زندانی‌ها» مسعود دهنمکی، «پیشونی سفید ۳» سیدجواد هاشمی و «ژن خوک» سعید سهیلی، با فروش یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، یک میلیارد و صد و ده میلیون تومان، یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در رتبه بعدی فیلم‌های نوروزی قرار گرفتند.

در آخر هم فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» بهرام توکلی، با داشتن ۴۸ هزار مخاطب تاکنون و پس از گذشت نزدیک به سه هفته نمایش حدود ۷۲۰ میلیون تومان فروش کرد که از این مقدار ۵۵۰ میلیون تومان حاصل فروش در تهران بوده است.

اما سینمایی «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به کارگردانی محسن امیریوسفی که پس از جشنواره فیلم فجر از ۲۴ بهمن ماه اکران خود را آغاز کرد و در ایام تعطیلات نیز در برخی سالن‌ها به نمایش درآمد، در مجموع در هفت هفته نمایش، بیش از سه و نیم میلیارد تومان فروش داشته و ۳۲۵ هزار نفر پای دیدن این فیلم نشستند.

تمام آمار و ارقام موجود در این گزارش بر اساس اطلاعاتی است که تا ۱۶ فروردین ماه در سامانه فروش سینمای ایران قرار گرفته است.

شرایط فروش گیشه بهتر بود اما...

«علی سرتیپی» مدیر پخش فیلمیران که پخش فیلم «رحمان ۱۴۰۰» را برعهده دارد، درباره شرایط و ارزیابی اکران فیلم‌ها در ایام نوروز بیان کرد: امسال به لحاظ فروش و اضافه شدن چند پردیس و سالن سینمایی در تهران و شهرستان به مجموعه سینمای ایران، شرایط فروش خوبی داشتیم. یکی از نکات ویژه امسال رکوردهایی بود که در فروش روزانه و یا هفتگی فیلم‌ها ثبت شد اما متاسفانه یکی، دو فیلم از این هفت اثر که در ایام نوروز روی پرده رفتند، پیش‌بینی ما از میزان استقبال‌شان درست از آب در نیامد؛ اما به نسبت دو سال گذشته، شرایط بهتری را پشت سر گذاشتیم.

او درباره تأثیر افزایش قیمت بلیت سینماها بر میزان مخاطب توضیح داد: افزایش قیمت‌ها تأثیر منفی بر میزان فروش و تعداد مخاطبان در سینما نگذاشته است. به هر حال سینمای ایران تحمل این را نداشت تا بتواند با توجه به افزایش قیمت‌ها و تورم، بلیت‌هایش را به همان میزان بهای قبلی به فروش برساند و اگر ما می‌خواستیم به مردم خدمات بدهیم باید این افزایش قیمت صورت می‌گرفت. این در حالی است که دولت هیچ کمکی به سینماها نمی کند و خودشان باید هزینه‌های خود را پرداخت کنند. ما خودمان هم علاقه به این افزایش قیمت‌ها نداشتیم و مجبور به گرفتن این تصمیم شدیم.

این تهیه کننده و پخش کننده سینمایی اضافه کرد: به برخی فیلم‌ها تبلیغات بیشتر به برخی فیلم‌ها تبلیغات کمتری در تلویزیون داده شد و برخی نیز اصلاً تبلیغاتی نداشتند. مثلاً فیلم «ژن خوک» کمتر تبلیغات داشت.

فرصت‌های خوب را از سینما گرفتیم

سرتیپی بیان کرد: فرصت‌های خوب را از سینمای ایران گرفتیم و برای اینکه بتوانیم اسفندماه را پربارتر بکنیم، بهتر بود فیلم‌ها از ابتدای اسفندماه روی پرده می‌رفتند. اما مسئولان ما متاسفانه همیشه با دخالت‌های نادرست، شرایطی را به وجود می‌آورند که هر ساله این روند تکرار می‌شود و فیلم‌ها دیر روی پرده می‌روند.

همچنین «سعید خانی» مدیر پخش خانه فیلم که پخش فیلم سینمایی «متری شیش و نیم» را برعهده دارد، به ایسنا گفت: وقتی هفت فیلم هم‌زمان در نوروز اکران می‌شود به جهت آنکه هنوز از نظر ظرفیت سالن‌های سینمایی محدودیت داریم، باعث می‌شود سانس‌های نمایش فیلم برای برخی آثار کم‌تر شود یا به تناسب تقسیم نشود.

در ادامه «محمدرضا صابری» مدیر پخش «نور تابان» که پخش فیلم سینمایی «پیشونی سفید ۳» را برعهده دارد، گفت: اکران فیلمی در ژانر کودک در ایام نوروز اتفاق بسیار خوبی است که دو سال است صورت گرفته و بازخوردهای خوبی هم برای سینمای کودک و هم جذب مخاطب کودک و نوجوان داشته است.

او درباره ارزیابی‌اش از شرایط اکران نوروزی فیلم‌ها نیز گفت: امسال شروع خوبی برای سینمای ایران بود و استقبال خوبی از آثار شده است؛ اما یکی از آسیب‌هایی که هم به فیلم‌ها خورد و هم به سینمای کشور؛ این بود که ما اکران اسفند را از دست دادیم. یکی از نقاط قوتی که سال‌های پیش داشتیم، این بود که اگر فیلمی در اسفندماه نمایش خود را آغاز می کرد، این امتیاز را برای صاحبان آن قائل بودیم که اگر فیلمش پر فروش باشد در اکران نوروزی آن هم محسوب می‌شد و به این ترتیب، اسفندماه که زمان مرده‌ای برای سینمای ایران بود را احیا کردیم اما امسال فیلم‌ها دیر اکران شدند و این فرصت را از دست دادیم.

سپس «امیرحسین حیدری» مدیر پخش «نمایش گستران» که پخش فیلم سینمایی «چهارانگشت» را برعهده دارد، گفت: تبلیغات شهری خیلی گران است و همه نمی‌توانند تبلیغات گسترده‌ای داشته باشند. تبلیغات تلویزیونی هم خیلی محدود است و هنوز موفق به نشدیم تا به آن دست پیدا کنیم. با این حال اگر فیلم‌ها زودتر در اسفندماه اکران می‌شدند، مردم شناخت بیشتری به آثار پیدا می کردند؛ اما از طرف دیگر شاید این شیوه موجب ایجاد رقابت جذاب‌تری بین فیلم‌ها هم شده است.

عکس: سینما روزان

افتتاح نمایش «سیمین و فرزان» با حضور مرضیه برومند و میترا حجار

بفرمایید تئاتر

مهر: مراسم افتتاح اجرای عمومی و رونمایی از پوستر نمایش عروسکی «سیمین و فرزان» در سالن انتظار قشقایی مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود.

در این مراسم که ساعت ۱۹.۳۰ و پیش از نخستین اجرای نمایش در تالار قشقایی برگزار خواهد شد، «مرضیه برومند» کارگردان سینما و تئاتر عروسکی و هنرمندانی همچون میترا حجار، افسانه چهره‌آزاد و شاهرخ فروتنیان با امضای پوستر و ایراد سخن، اجرای عمومی این نمایش را به طور رسمی اعلام می کنند. نمایش عروسکی «سیمین و فرزان» بر اساس منظومه «روسلان‌ولیودمیلا» نوشته «آلکساندر پوشکین» و با نویسندگی و کارگردانی فهیمه‌عابدینی روی صحنه می‌رود. درخلاصه داستان این نمایش آمده است: سیمین در شب عروسی‌اش با فرزان، گم می‌شود و فرزان راهی پرفراز و نشیب برای یافتن او آغاز می کند. در این نمایش عروسکی، فهیمه عابدینی و صادق صادقی‌پور به‌عنوان بازی‌سازان حضور دارند. نوازندگان موسیقی آرش لطفی، مانا جوادی، طراحی و ساخت عروسک را رفعت هاشمی سی‌سخت، مرضیه سرمشقی وطراحی و ساخت دکور را بابک جوانمرد، صادق صادقی‌پور، طراحی و دوخت لباس را الهه میرزایی، هانیه زحمتکش (خنده باران) بر عهده دارند. این نمایش که از ۱۸ فروردین تا ۱۳ اردیبهشت‌ماه در ساعت ۲۰ و در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد بود در سه روز نخست اجرا با تخفیف ۲۰ درصد قیمت بلیت همراه است.

چه چیزی از سینمایی «خجالت نکش» در پخش تلویزیونی سانسور شد؟

سخنرانی احمدی نژاد و ...

ایسنا: کارگردان فیلم سینمایی «خجالت نکش» که نسبت به نمایش نسخه سانسور شده فیلمش از تلویزیون معترض است، گفت: نسخه کامل این فیلم در همه جای ایران قابل دسترس است و ماهواره بارها آن را پخش کرده است؛ اما چرا تلویزیون آن را سانسور می کند؟!

«رضا مقصودی» با اشاره به برخی سکانس‌های حذف شده از فیلمش از جمله سخنرانی احمدی‌نژاد درباره لزوم فرزند آوری تصریح کرد: ممیزهای تلویزیون نگران چه چیزی هستند؟! قطعاً نگران حرکت‌های مردمی، فرهنگ و مردم این سرزمین نیستند؟! چون نسخه اصلی این فیلم در حال پخش است و هیچ اتفاقی هم نیفتاده است.

کارگردان «خجالت نکش» با بیان اینکه مطرح کردن این گلایه‌ها بیشتر به نق زدن شبیه شده است، خاطرنشان کرد: اثری ندارد اما ما آن را مطرح می کنیم تا شاید گوش شنوایی وجود داشته باشد.

مقصودی در پایان گفت: صدا و سیما اموال عده خاصی شده است و اگر رسانه مردمی بود، قطعاً مفیدتر می‌بود. فیلم سینمایی «خجالت نکش» که بازیگران اصلی آن شبنم مقدمی و احمد مهران‌فر هستند، داستان زندگی زن و شوهری را روایت می کند که با داشتن پسر و عروس، در سن میان‌سالی بچه‌دار می‌شوند. این اتفاق در روستایی کوچک می‌افتد که هیچ چیز از دید اهالی پنهان نمی‌ماند.

کتاب‌های «هری پاتر» در آتش سوزانده شد!

ایبنا: یک بنیاد مذهبی وابسته به کلیسای کاتولیک کشور لهستان مجموعه کتاب‌های «هری پاتر» و «مدرسه جادوگری» را آتش زدند و اعلام کردند که با شیطان مقابله می‌کنند!

کلیسای کاتولیک کشور لهستان، کتاب‌های مجموعه هری پاتر و مدرسه جادوگری را آتش زدند و در اعلامیه‌ای نسبت به مطالب این کتاب‌ها انتقاد کردند. این کلیسا در بیانیه خود گفت: در این داستان‌ها نیروهای شیطانی وجود دارد. تصاویری آتش زدن کتاب‌های هری پاتر توسط کلیسا چند روز پیش در صفحات فیس بوک منتشر شده بود. آن‌ها اعتقاد دارد با آتش زدن کتاب‌ها نیروی ایمان خود را افزایش داده‌اند.

در تصاویر مجسمه‌ای هم به سبک مجسمه‌های آفریقایی دیده می‌شود که در اصل چهره یک راهب بودایی است. راهبان کاتولیک لهستانی می گویند، در این آتش اشیا و کتاب‌های شیطانی را آتش زده‌اند.

بنیاد مذکور در بیانیه خود گفته است: آتش زدن کتاب‌های هری پاتر به صورت نمادین مخالفت با انتشار کتاب‌های جادوگری است. بسیاری از کاربران شبکه فیس بوک این اقدام کلیسای کاتولیک لهستان را محکوم کردند. آن‌ها نوشتند این کارها تنها در حزب نازی آلمان صورت می گرفت.

سریال

چهره‌های «بازی تاج و تخت»، در آستانه پخش آخرین فصل این حماسه، روی فرش قرمز نیویورک آمدند. نخستین قسمت از این فصل، ۲۶ فرودین ماه از اچ‌بی‌او پخش خواهد شد.

کافه سینما

یادداشت

به‌فراخور زادروز آندری تارکوفسکی؛

فیلسوفی پشت دوربین

سارا احراری | گروه فرهنگ و هنر
sara_ahrari@yahoo.com

«آندره‌یی روبلف»، به‌تعبیری نخستین اثر «تارکوفسکی» است. «کودکی ایوان» فیلم نیمه‌تمام کارگردانی دیگر بود که تارکوفسکی آن را به اتمام می‌رساند، البته به جد آن را دوباره‌سازی می کند. فیلم بیشتر از آن که خط داستانی را پیش ببرد، تکه و پاره‌هایی از زندگی «روبلف» را نمایش می‌دهد با اجتماعی از آدم‌های روزگار روبلف. آن‌هایی که با مولفه‌های تارکوفسکی آشنا هستند، تمام دغدغه‌های فیلم‌ساز را در این فیلم می‌توانند بیابند که البته این مولفه‌ها موجب کلیشه‌ای شدن آثار تارکوفسکی نمی‌شود. آگاهی دقیق کارگردان و ساختار محکم آثارش، موجب به‌وجودآمدن آثار خلاقه‌ای شده است که می‌توان آن را در زمره شخصی‌ترین فیلم‌سازان مؤلف جای داد. سینمایی که در لفافه، هنر «اندیشیدن» را آغاز می کند؛ ولی در این بستر، نه در چنبره شعار می‌افتد و نه از هنر برای پیش‌برد مقاصد صرفاً تکنیکی استفاده می کند. روبلف، در میان کاروانی از آدمیان که یادآور فیلم «شاه لیر» کوزینتسف است، آدم‌هایی که می‌جنگند، می‌سوزانند، می کشند و کشته می‌شوند در سالیان تباهی و ویرانی، در جست‌وجوی خویش است. خودی که در اینجا نامش «هنرمند» است و شاید در جست‌وجوی هنرش است که معنای آن به تعبیر «هایدگر»، هستی است و این، شاید بی‌شباهت به شوالیه در مهر هفتم «برگمان» نباشد؛ همو که این فیلم را بسیار دوست می‌داشت. شوالیه در جست‌وجوی مرگ است و شاید معنای مرگ و زندگی و روبلف، اما جنگجو چون شوالیه نیست، هنرمند است و چون انسانی را (هر چند شاید به حق می کشد)، خود را گناه‌کار می‌انگارد. او هنر و زندگی‌اش را در وادی سکوت و سرگشتگی رها می کند تا شاید چیزی چون معجزه، او را به اعتراف وابدارد و نجات خود را در این نهیب می‌داند. این معجزه از راه می‌رسد: پسرک ناقوس‌ساز! شاید آدمی در ناپایداری اندیشه‌های کوتاه خویش، فقط با این امید و اعتماد بتواند به حیات خود ادامه دهد؛ روالی که تارکوفسکی تا «ایثار» ادامه می‌دهد. معجزه‌ای که درخت خشک را بارور می‌سازد؛ لیکن این معجزه آسمانی نیست. او با گونه‌ای تفکر «کانت»ی، زمین و آسمان را از الوهیت جدا می کند و به زندگی بازمی‌گردد تا دلهره‌های زمینی را بازگو کند. «آندره‌یی روبلف»، هر چند جزو آثار نخستین اوست، اما در طرح این مسائل بازنمی‌ماند و به دایره زیاده‌گویی و سینمای شعاری نمی‌افتد. نگاه کنید به نمای گفت‌وگوی کیریل و تئوفانوس یونانی در اوایل فیلم که در طرح و شخصیت‌پردازی دو کاراکتر مهم فیلم، بسیار تاثیرگذار و دقیق است. همچنین برخورد روبلف با تئوفانوس در دو نمای متفاوت - تئوفانوس زنده و دیگری شبح او - که این دیالوگ‌ها می‌توانست بسیار خسته‌کننده و شعاری از کار درآید؛ ولی اعجاز تارکوفسکی، گیرایی و تاثیرگذاری این‌گونه نماها در فیلم‌هایش است. استفاده از صدا و موسیقی در «آندره‌یی روبلف» و دیگر آثار استاد، آدمی را برمی‌انگیزد تا پس از آن هر چه دقیق‌تر بشنود و هر نوایی را به سادگی از کنارش نگذرد و رها نکند!

موسیقی را در کالبد فیلمی دمیدن با سوار کردن آن بر فیلم فرق می کند؛ این دقت و وسواس را می‌توان در نمابه‌نمای آثار تارکوفسکی یافت. دعوت به تماشای چندباره آثار او، تماشای رویای بزرگی است که زیستن در هستی نام دارد! گریه «بوریس» نوجوان در آخر فیلم و تصمیم روبلف برای بازگشت به هنرش، یعنی نقاشی شمایل و شکست روزه سکوتش.. دنیای ایقان تماشاگر را متزلزل می کند و در هم می‌ریزد تا یک‌بار دیگر درست به زندگی بنگریم و بارها آندره‌یی روبلف را ببینیم. به تعبیر شخصی بزرگ: وقتی آدمی خود را با چشم خودش نگاه می کند، ببین چشم‌هایش چطور به سوزش می‌افتد!

دیدگاه‌هایی از «آندری تارکوفسکی»

- سینما به‌شیوه‌ای فوق‌العاده می‌تواند زندگی درونی مؤلف را به تماشا بگذارد.
- انسان در طول زندگی‌اش می‌داند دیر یا زود خواهد مُرد، اما نمی‌داند مرگش چه زمانی خواهد رسید و برای آسان کردن، آن لحظه را به آینده‌ای دور و نامعین نسبت می‌دهد؛ ولی من می‌دانم و هیچ چیز دیگر زندگی را برایم آسان نخواهد کرد. ما که از زندگی هیچ ندانسته‌ایم، چگونه می‌توانیم از مرگ چیزی درک کنیم؟ اگر چیزکی هم بدانیم، با می کوشیم آن را از یاد ببریم.
- رابطه آدمی با زمین، یگانه امر مهم است.
- هر کسی باید از پَس تجربه‌هایش، زندگی را درک کند؛ اما هنگامی که به این درک نائل می‌آییم، دیگر فرصتی برای زیستن نداریم؛ و این قانونِ حیات است...